

۳۹۸  
بواسطه جناب بشیر الہی

جناب میرزا محمد علی منشی علیہ بہاء اللہ الابی

ہواۃ

۴۴۴

ای بندۂ درگاہ بہا نامہ شمار سید و ملاحظہ گردید و آستان مقدس جمال قدم و اسم عظیم عجز و ارادت  
گردید کہ تائیدی جدید رسد و شغلی عاجل حاصل گردد و دلبر آرزو در نہایت صباحت و ملاحظت

جلوہ نماید و علیک لبہاء اللہ الابی ع

رب اذ عبدک المنشی علی ہذا آیات جنک فی عالم الانشاء ع ع تہنیر

۹

بیای جناب آقا میرزا علی محمد خان شیرازی علیہ بہاء اللہ الابی

ہواۃ

۴۴۵

ایشابت بر پیمان نامہ شمار سید و از مضمون معلوم گردید کہ این سفر با ثمر بودہ زیرا نفسی آزادگان  
ہندوستان را از قید اجتناب آزاد نمودی و سبب بینائی و شنوائی و حیات ابدیہ او گردیدی  
حضرت رسول علیہ السلوۃ والسلام بجنرت امیر علیہ السلام میفرماید یا علی لان بیدی  
کب نفسا نیرک من خیر النعم مقصود اینست اگر نفسی را بدایت نمائی بہتر از آن ہست کہ

خطبات و ہدیہ بہار

خطبات و ہدیہ بہار

نهایت ثروت و نعمت و غنایابی حال محدثه تو بان فائز گردیدی و امیدوارم که موفقی

به ادیت دیگران شوی نامه ای در جواب سعید احسن خان سرقوم گردید در جوف هست بر ماند

و علیک الباء الابی ع ع سینه

طهران بوا سطر حضرت ادیب

جناب آقا میرزا علی محمد شیرازی علیه بآ، الله الابی

هو الله

۴۴۶

رب رب ترانی آن صلاتی و نسکی که یا بلخی و ملازی انی استهال ایک متضرعاً بعقبه  
 رحمتیک و متبتلاً الی ملکوت ربانیک ان تشمل عبدک الصادق لحنات عین غیاک  
 و تحقنه برحمتک و تؤیده بموہبتک رب قد ضاق من الشدة ذمناً و اشتدت حلیه الازمۃ  
 فترأ و ابلی بالضرأ بعد التراء و الفریق بعد الرنأ و لمیس له صبر علی هذا البلاء فاقح  
 علیہ ابواب السماء و ارزقه برحمتک من النعماء و بدل عمره بالیسر و الغنا و ارفع درجۃ بین  
 الامراء و اجبله آیه موہبتک الیکبری بین الوری حتی یحیده القرنا و ینیر به الاقرباء انک  
 انت المستدر المعطى الکریم الوهاب ای یار مهربان نامه ای متعدده ارسال نمودی و  
 فرصت جواب نشد از فقر منال و بتوانگری مبال و از عمرت در معیشت محزون میش  
 و از تنگی

خطابت در و همواره مبارک

و از تنگی دست و تنون کرد ایامیت درگذر است و حیاتیت بی اثر و اثر گرفتوسیکه بنفس  
 رحمان زنده گردند و قلوبیکه بذر حق مشتعل شوند و حیات ابدیه یابند و موهبت سردتیه بویند  
 ربانی بینند عواطف سجانی مشاهده نمایند آیات الهی تزیین نمایند تأییدها، اعلی حله  
 فرمایند این نفوس بزرگوارند و بموهبت پروردگار ربانی و برقرار خواه غنی باشند و خواه فقیر  
 خواه اسیر باشند و خواه امیر ولی در حق شهادت عاظمه تا این ضیق را وسیع و این تنگی را گشایشی  
 حاصل گردد امیدوارم که ابواب برکت مفتوح شود و دل و جان مسرور و مشرور شود

و علیک البهاء الالهی ع ع ع

بواسطه جناب آقا میرزا محرم

هندوستان جناب آقا میرزا علی محمد شیرازی علیه بھاء، آله الالبی

هو الله

۲۴۷

ای بنده حق نامه شمار سید نافه مشکبار بود که مشام جانرا معطر کرد زیرا دلیل بر عبودیت  
 سه فوادرگاہ الهی و برمان روح و ریجان جان و و بیدان بنسیم جان پرورد حق رحمانی بود  
 مطمئن باطاف حضرت بدیع الاوصاف باش زیرا عنایتش شامل است و الطافش محیط

خط کتابت مرتبه چهارم مبارک

برعالم آفرینش تا توانی از عالم نفس دهمی بزارش و بملا، اعلی دمسار و همراه گرد تا از فیوضات

ملکوت ابی نسیب بری و سبب هدایت حجتی خفیه گردی و عیالک البهائ، الله الابی ع ع  
تجدید

بوشر اداره لکرک جناب میرزا علی محمد شیرازی علیه بهاء، الله الابی

هو الله

۴۴۸

نظم دارد که

ای بنده ثابت حق نامه که با قاسد الله مرقوم نموده بودید ملاحظه گردید اقا سید اسد الله تبلیغ

رفته مطمئن بنیای خاصه الهیه باش و از وقایع حادثه محزون گردد اما مجلس فرض نیست

مقصود خدمت با الله است و آن بحسن سلوک و حسن آمیزش و گفتگوی شیرین و در بابی حقیقی بهتر

حاصل میگردد و اگر چنانچه اجاب مجلس نمایند باید بسیار خفی و پنهان باشد تا موضعا بلند نگردد

زیرا اس ضعیفند باید مدارا کرد عبد البهائ، عباس مسافره

بیانی بواسطه جناب اقا میرزا علی محمد شیرازی زائر

شیراز جناب مبرز ایچی خان و جناب اقا علی اکبر نیا ط علیه بهاء، الله الابی

هو الله

۴۴۹

نظم دارد که

ای دو بنده آستان الهی الطاف نامتناهی شامل گشت تا حاصل امانت عظمای الهی گردیدید

۴۰۲  
 و آن محبت دلبر آفاق است فیضی در عالم وجود اعظم از محبت نیست اینست آیت کبری است  
 امانت خطمی ولی چون شرایط و شواهد آن بسیار و ظمیر است لذا جمیع کائنات تحمل آن نیست  
 و استعداد و قابلیت ظهور آنرا نیافت لذا از حمل آن عاجز و قاصر بود این موهبت تخصیص  
 بعالم انسان یافت اگر چنانکه باید و شاید شرایط و شواهد در نفسی تحقق یابد فقبارک الله احسن الخالقین  
 ظاهر و آشکار گردد و علیکم البهاء الابی ع ع سوره

۹

مبائی بواسطه جناب آقا میرزا علی محمد شیرازی زائر  
 امه الله ضمیمه محرمه ایشان علیها بقاء الله الابی

هو الله

۴۵۰

ای امه الله قرین عزیز بارض مقدس حاضر گشت و زیارت تربت مبارکه مشرف گردید  
 در این بقعه نورآ، ذکر تو نمود و در جای تحریر این نامه فرمود باید از او در نهایت رضایت باشی

که در چنین موقفی ارض مقدسی بیاد و ذکر تو افتاد و در روضه مبارکه تمنای انصاف

از حضرت بدیع الاوصاف نمود در عالم وجود محبت و رعایتی اعظم از

این ممکن نه و علیکم البهاء الابی ع ع سوره

خط کاتب در وجهها مبارک

بواسطه جناب میرزا علی محمد خان شیرازی

جناب سعید الحسن خان علیه بهاء الله الاسبی

هو الله

۴۵۱

عزت کاتب مر و کتبا مبارک

ای سعید و جهان شکر شکن شوند همه طوطیان هند زین قند پارسی که به بنگاله میرود حمد کن  
 خدارا که تو از آن طوطیان شکر شکن شدی و از مرغان خوش سخن این گزار و چین سبحان الله گوش  
 شنو از هزار فرنگ ندای الهی بسنود و در باختر چشمینا انوار بشرقه از خاور مشاهده نماید ولی  
 نابینا در نفس شرق پرتو اشراق نه بیند و گوش ناشنوا در گلشن وفا نغمه بیلبل معانی نشنود و آهنگ  
 ملاء اعلی استماع نماید پس حمد خدارا که نور هدی مشاهده نمودی و گلبنایک بیلبل معانی استماع نمودی  
 و ندای الست را بجان و دل بی گفستی و باین موهبت کبری فائز گشتی از لطف خدا امیدم  
 چنین است که سراج هدی گردی و جهمی را از خویش و یگانه و یار و اغیار بملکوت اسرار هدایت  
 فرمائی و یقین بدان که تائید و توفیق

پیایی رسد و علیک البهء الابهی

ع ع ع

شیراز جناب آقا میرزا فضل الله خان بنان علیه بہاء الله الابی

ہوا الله

۴۵۲

خط آقا میرزا فضل الله خان

ایشابت بیہ بیان نامہ شمار سید ہر چند مختصر بود ولی عبارات قلوب مفصل است پیک روحانی  
وقاصد وجدانی متصل در عبور و مرور را حمدتہ کہ یاران شیراز بدرگاہ احدیت پر عجز و نیازند و با یکدیگر محرم و  
از اینجہت هیچ خبر کردی از آن کشور نیرسد و احاسات قلوب باید روز بروز کاشف کر و ب گردد  
در جمیع اوقات حکمترا منظور بدارید زیرا اعزالان بر وحدت را کلابی در کینند کہ بلکہ فرصتی یابند و  
تلاول بکشاید امیدم چنانست کہ یاران در صون حمایت رحمن محفوظ و صون مانند مدتی پیش نامہ  
از شمار سید و جواب مرقوم گردید و وصول ہدیہ نگاشته شد حال نیز آنچه ارسال نموده بودید

وصول یافت و علیک البہاء الابی ۱۹ ستمبر ۱۹۲۰ حیفہ عبد البہاء عباس

ہوا الله

جناب آقا محمد باقر کو انجانی علیہ بہاء الله الابی

ہوا الله

۴۵۳

ای مشتعل باتش محبت الله شعلہی در آن مجرزن آباوی خوش عود و عنبر مشام مکان آن کشور را  
معطر نماید شب و روز در تہذیب اخلاق و تقدیس ننوساں و فاق و شجرت معشر آفاق و تثبیت

خط آقا میرزا فضل الله خان



میثاق بکوش تا از سروش ملکوت غیبی بی ندای و ابشر یا بشری شوی و چنان بکوش و خروش آئی

که خروس سحری گردی و بانگ می علی الفلاح می علی الفلاح می علی الفلاح در صباح میثاق برار

و البهآء علیک و علی جنآء الله ع ع

لوح امع اقدس ذیل که ظاهر آدر آیام توقف حضرت مولی الوری عبد البهآء روح ماسواه فذاه در قطر

مصر با فقار اجنآء فارس نازل گردیده و بحکمت بالغه در آن آیام ارسال و غنایت نگردیده و نامتام

هم هست در این اواخر درین اوراق و نوشته جات مبارک پیدا شده و توسط حضرت بشیر

الهی علیه بهآء الله ایفاد شیراز گردیده است و اینک عیناً طبع و انتشار میاید . محل روحانی شیراز

شیراز بواسطه جناب قاسمعلی فاروقی

اجتای الی عموماً علیم بهآء الله الاهی

هو الله

۵۰۴

ای ایران عزیز عبد البهآء جناب فاروقی بعد از زیارت عقبه مقدسه و طواف مطاف ملاء

اعلی ذناباً و ایاباً وارد بر عبد البهآء و آیامی چند مونس و انیس بود و در نهایت تبتل ملکوت الاهی

و تضرع بلاء اعلی بود و ایران الی را یک یک بخاطر آورد و بادی پر درد جمیعاً فرداً فرداً

نامه مخصوص مطالبه کرد و با چشمی اشکبار اضرا نمود ولی عبد البهآء اندمی سکون و نه آنی

قرار

خط کاتب



قرار و فرصتی ابد در کار ندارد اگر اوقات خویش را بجز، لایحری تقسیم نماید و هر جزئی را بطلب  
 و مکاتبه گروهی تخصیص کند باز از عمده بزیاید احمد نته بهائیان در شرق و غرب مانند ریاس  
 رتند اقلاده فوج کاتب لازم تا تو از جواب رسائل ایشانرا کما هو حق بنگارد در این صورت  
 خواهش هر زائر را بتمامه مجری داشتن از قبیل متعاضت لندا اثر مسام و بخت و جیا گرفتار  
 که بچه زبان بجناب فاروقی بیان اقدار کنم چاره ای جز این ندیدم که یک نامه مفصل بجمع  
 یاران بخارم تا این نامه را نسخ متعدده نموده بهر یک از یاران نسخه ای تقدیم نمایند چاره اکنون  
 آب و روغن کردنست مثل است مشهور التلیل یدل علی الکثیر و القطرة تدل علی البدر  
 باری در این ایام که نار موقده الهیه شعله بافاق زده و پرتو اشراق شرق و غرب را روشن  
 نموده و نفوذ کلمه آتیه ذوی العقول را حیران کرده و امراته احاطه کبری یافته و خوف و خطر  
 نامزه مدعیان فرصت یافته و مردم میدان گشته خواهوشان زاویه نسبان و خفاشان  
 خائف هراسان که بر رؤس منابر در صفهان و طهران تبری از حضرت اعلی روحی له العزاء نمودند  
 بیرون دویده اند و ادعای اصالت مینمایند و پیغمبرانی چند را نفیاً اقصاع نموده اند و بافتاد  
 شبهات پرداختند در سرتیپ پالی این و آنند که هر یک را بوسیله ای از ضراط مستقیم بگردانند  
 و با اذیتی برسانند رئیس قوم را بمیچ آشنا و بیگانه میدانند که در ایام خطر لباس درویشی

بر بوم و بر سفر میکرد و در رگدز کثکول بدست شیئانه میگفت و قنیکه حکایت صادق  
 و ناصر الدین شامی و جمیع احباب در تحت شمشیر و زنجیر در لوبک نور گذاشت و خود فوراً باز آمدن  
 و کیلان نمود و رشته بزرگیت و پوپرت در ویشی در بر و نام خویش در ویش علی نهاد و در کوه  
 و دشت سرگردان بود تا آنکه جمال قدم نفی و سرگون بعراق عرب گردید او نیز از پی بیغداد پناه  
 مبارک سفر کرد ولی مخفی و مناف از جمیع بشر پس جمال مبارک سفر بکردستان فرمودند و در ایام  
 غیبوت اسم اعظم جمیع یاران عراق و ایران از قدمای احباب میدانند که گاهی در صفحات  
 سوق الشیوخ و بصره بلباس تبدیل سفر نمود و نام او حاجی علی بود و دسته ای از کفشی  
 عرب در دست داشت و مشهور بجای علی کفش فروش گردید بعد بخت شافت و در نجف  
 لاص خرید و بلاص فروش مشهور گشت حتی بلباس عرب بود و اسم ایرانی را از خود  
 سلب نمود و بجای در آن دو سال غیبوت جمال مبارک نام و نشانی از امر نماند و بعد از شهادت  
 حضرت اعلی و غیبت حضرت مقصود آن غیر محصور امتی مشهور نمود که حتی غیور بغدادی  
 مشهور از آن عمل منصور بود و آن اینست که بعد از شهادت کبری از دوانج بحرم حضرت اعلی  
 ام المؤمنین که بصریح بیان حرام بر جمیع است نمود و چون مطبوع طبع نیفتاد کفایت باین  
 تحقیر نگشت بلکه آن محترمه یعنی خواهر ملار جعلی حرم حضرت اعلی بسید محمد اصفهانی

احسان شد این بود همت و اقدار و قوت و اشتیاق او که شب و روز بتعداد زوجات  
 اشتغال گردید حتی خواهر بر سر خویش مستی برقیه خانم از ما زندان طلب شد و با و نیز ازدواج  
 گردید و جمع بین الاختین شد و خواهر میرزا نصرالله تفرشی نیز بقصد و نکاح آمد و والده  
 میرزا احمد نیز زوجه مشرعه بود و به بنت عربی نیز اقتران حاصل گشت و تجاوز از هفت  
 صریح بیان گردید این تزوجات متعدده بغداد است ماعدای زوجات طهران و ما زندان  
 اگر تحقیق شود این بیت واضح و مشهور گردد آفتی بود آن شکار افکن کزین صبر گذشته  
 ما شرح و بسط در این خصوص ننمایم مقصود اینست که سید بصورت اجرای چنین امور مخالف  
 نص قاطع رب غفور فرمود و شب و روز باین امر موهوم مشغول بود یا بته در این  
 چه نصرتی شد و چه خدمتی بامر حضرت اعلی گشت آیا کینفس مست که بگوید او را  
 تبلیغ نمود یا آنکه در مدت چهل سال در قبر پس توانست که نفسی را هدایت نماید بلکه  
 از تربیت اطفال خویش نیز عاجز ماند دیگر آبا عجزی اعظم از این میشود یدعون من دون  
 مالا یفنعهم و مالا یضرهم لبئس المولی و لبئس العشیر جمال مبارک و قتیکه از کردستان  
 مراجعت فرمودند در ایران یاران عدتی معدود بودند و عراق منجمد و منجمود نه صدائے  
 نه ندائی و اگر نفسی در اطراف بود در نهایت یأس و خوف و حذر بود ولی اسم اعظم

مخص و رود بیضا در را گشودند و صلاهی عمومی زدند و ندای الهی بلند شد و وصیت امراته در  
اطراف منتشر گشت رؤسا و علمای جمیع ملل شب و روز در محضر حاضر و سوال و جواب  
مستمر و جمیع بقاع از جواب مقرون تا کار بجایی رسید که خوف و هراس ناصرالدین شاه  
را بیسبر و قرار نمود و جمیع وسائل تشبیهت کرد و بجز خولیش سلطان عبدالغزیز نامه نوشت  
و رجای نفی جمال مبارک از بغداد کرد که ایران در خطر است و حکومت پر حذر و قنیت  
ضرر بهر دو دولت رسد این بود که فرمان عبدالغزیز وارد و قرار بر سفر جمال مبارک گردید  
با وجود آنکه مسئله نفی و سرگوان بود ولی در نهایت اقتدار بیاغ نجیب پاشا نقل مکان  
فرمودند و دوازده روز در آنجا بقسمی امراته اعتلایافت و والی نامق پاشا و جمیع ارکان  
اردو و ولایت و علمای مملکت و و بهای ملت شب و روز زیارت میامند و مشرف میشدند  
و حال آنکه بنابر سرگونی بود ولی از نفوذ امراته در آن ایام معدوم و غلو کلمه الله و انشاء  
نجات الله آن ایام چنان سرور و جوهر گذشت که عیدر منوان شد و بکمال اقتدار  
حرکت فرمودند و جمیع خلق عراق گواه و شاهدند اما حضرت حضور بالباب <sup>سینه</sup>  
با ظاهر نامی عرب گاهی سفر مند خواستند و گاهی مسافرت بمالک مصر اندیشه نمودند  
نهایت خبر فرستادند که من بعد از رفتن شما خائفم لهذا پیش از شما بموصل شایم و درجا

منتظر ہستم و چون در آن اوقات شہرت داشت کہ جمال مبارک و جمیع اجارا  
 در کرکوک کہ میانہ بغداد و موصل است و نزدیک حد و عجم تسلیم بدولت ایران خواہند  
 نمود لہذا شخص معلوم میفرمود کہ من در موصل بشاملتی خواہم شد زیرا ملاحظہ می نمود کہ ہر واقعہ  
 واقع شود پیش از موصل واقع خواہد شد باری چون موصل رسیدیم و در کنار دجلہ سرآوردہ شد  
 و بزرگان موصل از نامورین وغیرہ دستہ دستہ بحضور مبارک مشرف میشدند نیمہ  
 شب ظاہر عرب مذکور آمد کہ جناب معلوم در خانی بیرون شہر منزل و ناوی دارد و  
 با یکی ملاقات خواہد جناب اقا میرزا موسای عمونیم شب رفتند و اورا ملاقات کردند  
 سوال ز اہل و عیال خویش کرد گفتند کہ ہمراہند و خیمہی مخصوص آنا گردیدہ اگر میل دار  
 بیائید گفت من ابداً مصلحت خویش را در این نمی بینم ولی قافلہی موجود کہ باشما کت  
 خواہند کرد من در میان آن قافلہ ہستم تا آنکہ بیدار بگردید و بر ہمین منوال رشتہ سیاہی  
 در سر و کتکولی در دست و در میان قافلہ معاشر و مجالس ترک و عرب بود چون بیدار  
 بگردیدیم خبر فرستاد کہ من بشہانزد متعلقین خویش خواہم آمد و صبح باز بہ سمت  
 بقافلہ نمایم آن نیز مجری شد و چون حاجی سید محمد اورا پیشاخت دیدہ و در ہیئت  
 و بعنوانیکہ این درویشی است ایرانی و آشنای منست ملاقات نمود ولی سایر اجناس



چون اور اندیدہ بودند اولاً شناختند تا آنکه در میان او و سید محمد نزاعی حاصل گشت  
و جناب حضور در حضور اجبا که الآن هستند آمد و شکایت از سید محمد نمود چون سید محمد حضور  
یافت عرض کرد در مسئلہ فی میان من و او اختلافست او میگوید که مرآت همیشه رو  
من میگویم میشود که مرآت محجبه با زشمس گردد تا مقابل است روشن است و چون من حرف  
گردد تا ریک شود بعد جمال مبارک سید محمد را زجر فرمودند که چنانچه و جدال مکنی و در  
این خیال برابر منازعه بر پائینائی بعد در کمالی قدر مویکب رحمانی وارد مقرر سیر سلطانی گردید  
در نهایت استغناء حرکت شد اسم اعظم ابد ابوزرا و کلام ملاقات نفرمودند و اعتنائی نکردند  
نہادہ

هو الله

جناب آقا میرزا حیدر علی علیہ بقاء اللہ الابی  
هو الله

۴۵۵  
خط مبارک

حضرات فاریان و فاروقی حازم سمت مقصودند تاروی و موی  
ای یار مهربان  
بتراب تربت پاک معطر نمایند در حق ایشان رعایت و محبت طبیعی مگری خواهید فرمود  
ولی اقامت زیاد لزوم ندارد زیرا باید مراجعت نمایند جناب آقا محمد حسن و سایر اجاب  
را تحت مشتاقانه برسانید و علیکم البقاء الابی ع ع یہدیہ

شیراز



شیراز بواسطه حضرت افان سدره مبارکه جناب آقا سید حسین  
جناب قاسم فاروقی علیه بهاء الله الای

۴۵۶

هوائه

عظمت در او انشا مبارک

ای فاروقی احمدی حقرا از باطل فاروقی و در بوستان محبت الله تخیلی با حق و در محفل  
محبت الله شمع برق لهذا همواره پیش منی و بزیرت آستان مقدس فی قافله فی قافله زیرا  
جان و دولت در اینجاست روح در پرواز و همیشه در سوز و گذار طوبی لک من بده  
اسحانه التي یخضع بها من یشاء رب التسموات العلی و علیک البهاء الایهی مع ربنا  
و اشکنن جناب مستر ربی علیه بهاء الله الایهی

۴۵۷

هوائه

عظمت در او انشا مبارک

ای جوان نورانی و عزیز روحانی من نامه تورا سید و از قرائتش چنان مسرتی حاصل شد  
که وصف نتوانم زیرا دلیل بر علو فطرت و قوت همت و خلوص نیت تو است  
عبد البهار اسرور با یگانه امور است اگر جمیع لذات جهانی جمع شود بخاطر عبد البهاء خلوص  
تفاید که راحت و لذتی در جهان هست ولی چون نفخه مشکباری از گلشن قلوب یاران  
بشام برسد چنان فرحی دست دهد که بی اختیار بشکرانه جهان مبارک پردازد که چنین نیکو

تربیت فرموده است باری از نامه شما پنهانیت مسرورم اینقدر شما بسیار موافق  
 امیدوارم که یک امر از جدیدی در قلوب جا حاصل گردد و ثبوت و استقامتی عظیم حصول یابد  
 و سبب هدایت دیگران شود پس با قوتی رحمانی و غم و اراده‌ی آسمانی و لسانی طیب  
 و قلبی سرشار از محبت الله الواحد بدست گیر و بجمع دیار سفر کن حتی بجزائر هونولولو در مجمع  
 شهرهای امریک سفر نما و جمیعاً بر ثبوت بر میثاق بخوان و جمیعاً از زبده میثاق سر مست کن  
 و بشرفی ت الله دلالت نما فریاد یا بهاء الاهی بلند کن و لغز یا علی الاعلی برین و باران  
 بیدار کن که امتحانی عنقریب بمیان آید شاید نقوسی ظاهر ثابت و باطنی مذبذب بفضیلت  
 رود تا باران زار در میثاق آبی سست کند بیدار باشند هوشیار باشند بجز در انقضای  
 کناره گیرند شب و روز بکوشند تا انوار ملکوت ابی جهانگیر گردد و ظلمت  
 ضلالت بجای زایل شود جمیعاً تحت ابدع ابی البلاغ دار علی مخصوص ائمه  
 مس پرست و ائمه الله مس دیکس و ائمه الله مس منی و سایر اجابت  
 الی و انا و رحمن را و علیک الیها الاهی عبد الیها عباس

۱۹۳۰ ائمه الله مس من

abdul Baka abbas

فاروق جناب آقا فاسم علی و جناب آقا منصور علیها بآه آتیه الاهی

هوائه

ای دوبنده باوفای جمال ابی هائی بود که از فاروق - - مشاهده نشده بود تا

در این ایام یکی از یاران ستایشی از دوستان انسان نمود سبب سرور و جوهر گشت و صدور

این نامه مشکور و امید است که رقی منور گردد یعنی آن دوبنده پروردگار را عنوان انجذاب

شود و سبب قیام بر خدمت امراته ایام مانند او نام میگذرد و حیات کل نفوس ساقطه نتیجه

میشود ملاحظه کنید که هیچک از ملوک و مملوک را نتیجه حیات باقی لاوائه مگر نفوسیکه در ظل

ملک الملوک آیند و دامن بالایش این جهان فانی نیالایند و در سایه درخت امید بیاسایند

مخصل محبت الله بیارایند و سرمست صبا می معرفت الله گردند و در نشر نفعات الله

کوشند و باعلا کله الله پردازند این نفوس از جنات خویش بهره و نصیب گیرند و نتیجه

تحصیل نمایند آثار بهره در ملک و ملکوت بگذارند و بجات ابدیه سرمدیه موفقی و مؤید شوند

پس ای یاران عزیز میاسایند و میارمید تا آنکه یک شعله نورانیه برزید و روح بان کثرت

و تقدیر خیشید و روح بان کشوره اقدیم بنشیند تا علم مبین نافی گردد و نور بدیع با برق

خطاب تبریک سرور جناب مبارک  
این نامه مشکور و امید است که رقی منور گردد  
یعنی آن دوبنده پروردگار را عنوان انجذاب  
شود و سبب قیام بر خدمت امراته ایام مانند او نام میگذرد  
و حیات کل نفوس ساقطه نتیجه میشود  
ملاحظه کنید که هیچک از ملوک و مملوک را نتیجه حیات باقی لاوائه  
مگر نفوسیکه در ظل ملک الملوک آیند  
و دامن بالایش این جهان فانی نیالایند  
و در سایه درخت امید بیاسایند  
مخصل محبت الله بیارایند  
و سرمست صبا می معرفت الله گردند  
و در نشر نفعات الله کوشند  
و باعلا کله الله پردازند  
این نفوس از جنات خویش بهره و نصیب گیرند  
و نتیجه تحصیل نمایند آثار بهره در ملک و ملکوت بگذارند  
و بجات ابدیه سرمدیه موفقی و مؤید شوند  
پس ای یاران عزیز میاسایند و میارمید  
تا آنکه یک شعله نورانیه برزید  
و روح بان کثرت و تقدیر خیشید  
و روح بان کشوره اقدیم بنشیند  
تا علم مبین نافی گردد  
و نور بدیع با برق

۴۱۵  
و شارق شود و علیکم التَّحِیَّةُ وَ اَلسَّلَامُ ع ع سید بن

هو الابی

ش حضرت افان سدره منقی جناب آقا سید حسین علیه بآله الابی ملاحظه نمایند

هو الابی

۴۵۹

ظیبارک

ایمان الفرع الرفیع من السدرۃ الریحانیۃ جناب آقا سید مادی امنا و سالما و اصل و در ظل آستان مقدس

ستریح و مرتاح و فائز از فضل حضرت یزدان امید است که توفیقات بر خدمت امرالله یابد

الیوم افان سدره باید بجان و دل بکوشند و شب و روز در تبتل و تضرع آیند که شاید تخم پاکی در آن

مرزعه عالم بیاشند تا بیوضات ابر بهمن ملکوت ذوالمنن آن خطه و دیار بنز و خرم گردد

ربت اید افان سدره فردا نیک علی نشر نفحات و محبوب طیب فوحاتک و سطوع

مک جذباتک و شروق انوار برکاتک و بزوغ کواکب

مواهبک و حصول انطباق الملاء الادی بصور

ملکوتک الابی انک انت المؤید و الموفق

و المعطى الکریم الرحیم

ع ع سید بن

حضرت افغان جناب آقا سید حسین علیہ بہاء اللہ الہی ملاحظہ نمایند

۴۹۰

هوائے

دعا بکنج

حضرت آقا سید مادی در ظل غایت جمال مبارک مسترح و از ہر خائلفہ فارغ و مطمئن دعا بکنج  
در حق او نماید کہ بخدمت موفق گردد و یوماً فیوماً در مراتب عبودیت ترقی نماید و با برکت او  
مشغول و آنجناب باید در جمیع احوال ملاحظہ خدمات امرائے را بنماید اجبای الہی را بسیار مراعات  
و ملاحظہ فرمائید علی الخصوص جناب غنڈلیب را کہ در آن ارض غریب است الیوم باید افغان  
سدرہ منہی بخدمت امر مشغول گردند و خدمت امر در خدمت اجبای اللہ است این عبد ذلتہ  
و روحہ و قلبہ و جسدہ و قلمہ و لسانہ بخدمت اجبای الہی مشغول ع ع  
والدہ جناب قامیر مادی را کبیر اربع الہی ابلاغ فرمائید و همچنین سائر دوستان را و جمیع  
ورقات را و از عدم فرصت برعت دو کلمہ مرقوم گردید ع ع تبارک

هوائے الہی

حضرت افغان جناب آقا سید حسین علیہ بہاء اللہ الہی ملاحظہ نمایند  
ہوائے الہی ایہا اللہ ع المنجذب الی الانصال الکریم اگر چہ این مصیبت ۴۹۱

شده بود و بلیه عظیمه در قلوب مشتاقان آتشی بود سوزان و اندوهی فراوان علی الخصوص چون مصیبتی  
اعظمه توأم گشت و بجزئی تازه منضم عجزات و زفرات و حشرات بمقامی ستارح یافت که قلوب  
در سكرات افتاد بجز اصران همچنان نمود و آنها رنم بی پایان جریان یافت چشم حکم چشمه  
گرفت و جگر کانون اخگر ولی چون شمس حقیقت در سما، تقدیس صعود نمود و نیز اعظم ملکوت  
تفرید عروج این نجوم زاهره نیز بسعود آن اوج مقامات باهره منجذبند و این اختران باقی  
ملکوت آسمان مغلف اجزاء متماثل مرکز کنند و بلبلان مشتاق لقای جمال گل بعد از صعود جمال  
مات حیات و قفا حقیقت بقا زندگانی این حیات فانی مهبوطت و هر امید و سینه  
اعظم قنوط این عباد که بسبب ظاهر باقی چه ثمره و چه فائده و چه نتیجه فمتمنوا الموت ان کنتم  
صادقین حکمش تباهه الآن نافذ و مجری و البهائ، علیکم ع ع سب

هو الابی

ش حضرت افان سدره منقی جناب آقا سید حسین افان علیه بها، انه الابی ملاحظه نمایند

هو الابی

۴۶۳

ایها الفرع اترقیع من السدره الربانیة در شب و روز و صباح و مساء، بلکه در ظلمات لیل  
و اواسط نار بدرگاه احدیت بنهایت تسرع و ابتهال التماس ینمایم که خدایا این نفوس

افان

خط مبارک



۱۸

افان سدره رحمانیت و فروع شجره فردانیت استند خدا یا بنام خود و رحمت و نجات  
 تقدیس و موهبت و فیض سحاب لطف و مکرمت و حرارت آفتاب عنایت سبز و خرم  
 فرا و لکن هر موهبتی راقوه جاذبه لازم و هر عنایتی راقوه طالبه واجب مغاطیس موهب  
 الهیه در این ایام اشتغال بشر نفحات الهی است قسم بحیال قدم که جسم تیره خاک نور پاک گردد  
 و ظلمت شدید شعل مبین شود عبد البهائم مع تبت

هوائیه

ش حضرت افان سدره رحمانی جناب آقا میرزا سید حسین علیه بهاء الله الاهی ملاحظه نماید

هوائیه

۴۶۳

ایها الفروع الرفیع من السدره الالهیه چند نیست که نظر بحکمت کلیه ابواب مکاتبه را باطل  
 جهات مقطوع نموده بودیم حال جناب آقا میرزا مادی حاضر و خواهرش تحریر این نامه نمود  
 لهذا مجبوراً مرقوم میگردد جمیع دوستان را تکبیر ابداع الاهی ابلاغ فرمائید و کل را مشام نتجت  
 الهیه معطر نمایند و بگویند ای باران الهی و دوستان معنوی وقت ثبوت و رسوخ بر عهد  
 و پیمان الهی است و هنگام تنگ و تشبث بحبل متین میثاق رحمانی چه که جنود شبهات  
 که منتشره بسبب جهات است و ناقصین سبزی در القای تو جهات و الیوم حامی میثاق

نفس مبارک اسم عظمست که از ملکوت غیب باهیش بجنود لن تر و ما قاصم ظهور مترزلین است  
 هر مترزلی یو ما فیو ما با سفل مجیم سزگون و هر ثابتی مؤید یقییل ملائکه حی قیوم یک مترزل سزی در  
 آن بلد موجود عنقریب خویش را در خسران مبین خواهد یافت و خدا و حد غیر مکتوب مگر آنکه نادان  
 و پشیمان گردد و توبه نماید باری الیوم ملا اعلی حامی ثابتین است و جنود غضب جبروت سبی  
 قانع و قاصع مترزلین عنقریب کل این نفوس را از جمیع جهات خائب و خاسر مشاهده خواهید  
 نمود و البهائ علی کل ثابت علی عهد الله و میثاقه العظیم ع ع تا بدید

هو الاهی

۴۶۴

ایها الفرع المنتجب من السدره المبارکه علیک بهاء الله و نوره و ضیاءه و نور وجهک منتفخه  
 الرحمن فی قطب الامکان انه علی کل شیء قدير جناب میرزا اادی مدتی بود در نقل سدره رطبه  
 ساکن و تحت لحاظ غایت واقع و کتابت آثار الهیه مشغول و حرکت و سلوکش معقول <sup>مقبول</sup>  
 حال از ساحت مقرو مستقر عرش اعظم مرخص شده بانصفت رجوع مینماید ما از او را  
 و خوشنودیم از الطاف غایت الهیه استدعی هستیم که او را موفق برضای خود در جمیع  
 احیان نماید و در کف صون و حمایتش حفظ فرماید انه لطیف حفیظ ای افنان دو حه  
 بقا و شاخه های سدره غنی زبان بدعا بگشاید و عجز و ابتهال ننماید و از ملکوت ابی است

طلبید

۴۶۵

طلبید و عون و توفیق جوئید کہ فیوضات شمس حقیقت در جمیع احوال نازل گردد و ہنار غلام غیثت  
 ماطل و باغبان الہی تربیت فرماید تا این فروع ہر وی از اطلاق اصول برد و غیبی از شئون شجرہ  
 مبارکہ یابد و آیتی از نیر اعظم گردد از اینجہاں فانی باید منقطع شد بکہ منحدر گشت تا جہان الہی رخ  
 و از این سراب وہی چشم باید پوشید تا شراب معنوی از سخنانہ الہی بنوشاند حضرت اعلیٰ و  
 ما سواہ فدائہ میفرماید لو تجعل الارض و من علیہا فی ظلمک فانک اذا اقد و فیت بعدی و الادی  
 لا یغنی لہ ربک و رب ابابک الاولین رب و قی ہذا الافقون الکریم المنشعب من شجرۃ  
 وحدایتک علی رضا تک فی جمیع الشئون و الاحوال انک انت الکریم العظیم المتعال  
 ع ع سادہ شد

ہو الابی

ش حضرت افان جناب اقا سید حسین عیہ بہا، اللہ الابی ملاحظہ نمایند

۴۶۵

ہو الابی

ایما الفرع الکریم من الشجرۃ المبارکہ در اینجہاں فانی طبا و مامنی محو و در این خاکدان ترابی ملاذ و مسکنی فحوا  
 اگر طیر فردوس بقائی جز در حدائق الہی آشیانہ ننما و اگر حمامہ ریاض قدسی جز در گلشن رضائی را نیجو  
 ذسبیل بالقدم روحی لا قبانہ فدا تا زخمیلا ترا بستر پرند و پرنیان کن و در راو خدا سخن گویم

تجاہد

گلزار نسرین و سوسن بدان ثقل حدیذ را موهبت نماید بین وزنجیر و شمشیر را رحمت رب قدیر  
ملاحظه نما زهر بلاهیل را شهد فائق بدان و تتم قاتل را اثر نخل باسق بین ای منتسب آن نور بین  
ملاحظه فرما که آنجهال علی روحی که فدا در راه خدا سینه سینار را بپکوند هدف صد هزار تیر بلا فرمود  
و ایامرا بچه سائب و بلاگذرانند هر شقت و مصیبت و اسارت و مسجون و شهادت را در  
حسب حق بجان و دل قبول فرمود و البهآ، علیک ع ع ساری

هو الله

۴۶۶

خط و مهر مبارک

حضرت افغان کار جناب حاجی میرزا حسن علیه بهآ، الله لطول انجامید البته زود اتمام نماید و حضرت  
را حرکت دهید منتسبین مقبرترین در گاه اسدیت در نزد این عبد بسیار عزیزند البته کمال نترام  
و رعایت مجری خواهد شد مطمئن باشند و علیک بهآ، ع ع ساری

هو الله

۴۶۷

خط و مهر مبارک

ای ثابت بر پیمان نصرت یزدان مدتیست که نامه مرقوم نگردید و مکتوبی ارسال نگشت این  
از کثرت احزان و شقت بی پایان و هجوم ستمکاران و ایذا و اذیت بی وفایان است که نصرت  
نمیدهند که کلمه نخاشته شود ولی مکاتیبی که نهایت لزوم را پیدا کند بهر قسم هست نوشته میشود  
مقتود اینست که آنحضرت همیشه در نظرد و لو در مکاتبه فتور واقع گردد از خون و عنایت

جمال حدیث متوقعم کہ در کل حیان در صون حمایت یزدان محفوظ باشید و ورقه مبارکہ امہ اللہ  
والدہ اقا میرزا نادہ را تکبیر برسانید ع ع قد برید

ہو اللہ

شس حضرت افغان سدرہ مبارکہ جناب قاسمیرا حسین علیہ بہا اللہ الابی

۴۶۸

ہو الابی

ایمان الفرع المجید من السدرۃ المبارکہ انشرع و ابتہل الی الملکوت الابی و ابجروت الاعلی ان  
یحملک منقطعاً عما سوائہ و یتیاک من امرک رشداً و یحملک کقبۃ نار متہبۃ بحرارۃ  
محبۃ اللہ حتی تنشق روحک و جسمک و مالک و علیک فی سبیل اللہ الیذ افنن  
من افغان سدرۃ رحمتک فاجعلہ خیر الخیر اریانا یقین و ابل الانتطاع عن دونک  
والابتہال الیک و الاشتعال بار شجرۃ وحدانیتک ارباب جعلہ بکلیتہ مستغولابک و مشغوقاً  
بجاک و متذکراً بذکرک و منتفعاً عن دونک و مستفیئاً بباک

ولائد ابحبابک انک انت المقدر الغیر القیوم الیوم

اعظم امور اتحاد و اتفاق احبابی التیست بہر وسیلہ شد

کلن ید در جمیع احوال متہہ کردند ع ع سادہ

ش حضرت افان سدره مباركه جناب قاسم حسين عليه بآء الله الاسب

هو الابهى

٤٦٩

ايها الفرع الرفيع من السدره الرحمانيه تائه اتحي ان سوريات القدس في عرفات الفردوس من اخر جن <sup>ههين</sup> راود  
من اجزات وصدقن كالطيور لمير آل داود وقلن ابشروا ايها الروحانيون واستبشروا  
ايها الربانيون افرحوا ايها النورانيون سرورا ايها الثابون الراسخون بنصرة ربكم الرحمن  
ونزول جنود موليكم اتحي القيوم من ملكوته الابهى وجبروته الاسنى تائه قد خرقت السقوف  
وارغمت الانوف وتشتت شمل الاضراب وتفرق جميع حل الآفاق ونبئت لالباهر في  
جناح العقاب ونبل ريش الغراب واستتت الرج الذاريه على البعوض والذباب  
قد سطع النور وانكشف ظلام الديجور ودارت كأس مزاجها كافور وظهرت آيات يوم  
النشور واتشرت اجنحة النور وفتحت ابواب السرور والثابون فيما شهت  
انفسهم خالدون ويشكرون ربهم باآتامهم وهم في جنة امخلد داخلون ومن نعمات  
ورقا، الاحديه يستبشرون وبغمة ربهم يتلذذون

ع ع ربابه



شیراز حضرت افغان سدره مبارکه جناب اقا سید حسین علیه نبی، الله

هوائه

۴۷۱

ایمان الفرع الرفیع من السدره الرحمانيه مدتیست این خامه با حضرت نامه نگاشته سبب عدم  
فرست و ملت بوده و الا همواره مرآه آرزو چنانست که در هر روز با فغان سدره مبارکه طوماری بنگارم  
و بیادشان مشغول و نالوف گردم و هر چند بظاہر بنجامه و مداد پردازم ولی در قلب و نواد بیادشان  
همدم و همرازم آنی فراموش نکنم و دمی نیاسایم از خدا میطلبم که جمیع افغان سدره مبارکه را با  
عبدالبهاء در عبودیت آسان جلیل رفیع شریک و سهمیم فرماید تا کل بجان و دل خدمت نمایم  
و عبادت کنیم راه عبودیت پوئیم و رضای حق جوئیم و سر حقیقت گوئیم ان ربی بیدی من بیاء  
علی بیاء، و انه لهو القوی القدير در خصوص خانه که لانه و آشیانه حضرت الفرع المقدس شهید خلیل  
جناب اقا سید علی روحی له الفداء، مرقوم نموده بودید آنخانه لانه حمامه قدس بود و مجاور مسقط رأس تر  
ملا اعلی نقطه اولی روحی و دانی و کیس نوئی له الفداء، لهذا آنخانه از بقاع مقدسه محسوب و احترامش  
امر مفروض جناب فرع روحانی حضرت میرزا علی محمد خان از قبل عبدالبهاء، تحت مشافهت برسان  
و بگو ای فرع بدیع تمام همت و رغبت و اهمیت بکوش تا آن بیت معمور را از دست اغیار درآرد  
و مشرق الاذکار ابرار نمائی اگر واضح و آشکار سبب اغیار را غیاب و وضوحاً، اشرار شود این را از

تجارت کاتب کبر و نبی، مبارک

راستور و پنهان نمایند و آن بیت محترم را از دست غیر برانید و خقیار آن محفل یارانید و باذکار  
 در اسرار و نماز و نیاز در ایجاز مشغول گردید تا مبارکی این عمل بهر و فضل موفور حاصل گردد و قلوب  
 مشغول ذکر رب عفو گردد فرجی رخ بگشاید و نشئه فی در دماغ آید که نار محبت است شعله  
 شدیدزند و شوری دیگر در سر اندازد چنانکه در سائر دیار مشرق الاذکار سبب فوران  
 نار محبت است شوق و شغفی عظیم درد لها انداخت و بشارتی الهیه بجانها بخشید  
 ولی در شیراز باید در نهایت حکمت و احتیاط مجری گردد که ابد اختیار اطلاق نیابد حتی در میان  
 محفل روحانی عنوان کنسید و اگر چنین نباشد اراذل قوم بر دائل قیام نمایند و سبب حشمت  
 قلوب شود حضرت افان سدره مبارکه جناب میرزا ابوالحسن را از قبل عبدالبها، تحیت مشتاقانه برسان  
 و بگو که ما همواره بیاد تو مشغولیم و بذر تو مالوف امید و اراد از فضل پروردگاریم که همواره بنفس رحمان مالوف  
 باشی و بتفحات قدس مالوف سبب عزت امراته باشی و اسباب روح و ریحان یاران گردی  
 و علیه التجه و التاء، ع ع

هو الاهی

۳۷۱

ای فرغ سدره مبارکه باز از باختر بخاور باز گشتیم تا باستان مقدس دو بقعه مبارکه  
 فائز شویم باری همیشه در خاطر بوده و هستید از الطاف جمال بی آرزو نمایم که در نهایت

روح و ریحان مستقلاً بنا بر محبت الله لعبودیت صمیمی الهی موفق شوی ورقه مبارکه و والده

اقامیرزا نادوی را تحت ابداع ابی البلاغ دارید و همچنین جناب اقامیرزا رحیمخان را عبدالبهاء

جناب سید سید

شیراز حضرت اقامیرزا محمد حسین علیه بآء الله الایه

هو الله

۴۷۳

جناب سید سید

ایها الفرع الرفیع من السدرۃ المبارکة نامه شمار سید احمدته دلیل بر نشاط

و انبساط وجود شریف بود از الطاف بی فتهای حضرت احدیت طمس چنانم که همواره در حصول

حمایت او محفوظ و مصون باشید و اما قضیه قطع علاقه از آن دیار و حضور یقیناً

حال سزاوارند زیرا باید در آنسفوات بخدمت امرالله مشغول باشید و قتش خواهد

آمد الامور مرهونه باوقاتها هنوز از شیراز چنانکه باید و شاید آهنگ ملا اعلی بلند شده

هر وقت آن ساز و آواز در صوامع ملکوت گوش زدا اهل راز گردد آن اقلیم باهتر آید

و صبح هدی چنان بدرخشد که ظلام ضلال بجلی متلاشی گردد کار

درست شود ورقه مبارکه و والده محترمه را از قبل من تحت

ابداً ابی برسان و علیک البهاء علیک البهاء علیک البهاء

شیراز جناب قاسد محمد حسین افغان جناب آقا میرزا بزرگ افغان جناب آقا میرزا حبیب الله

افغان جناب حاجی میرزا نسیا، افغان بناب شاهزاده محمد رضا میرزا جناب محمد باقر خان

جناب میرزا محمد علیخان جناب آقا میرزا آقای طبیب جناب آقا شیخ آقای پیش نماز جناب

شهریار و فادار جناب میرزا فضل الله خان جناب دکتر نسیا، علیم بهاء الله الاهی

هو الله

۴۷۳

ای نفوس مبارکه مقرب درگاه کبریا نامه شمارید و از نعمتون نهایت روح و روحان رخ داد

زیرا بر شجرت بر سراط مستقیم بران مبین بود و بر اتحاد و اتفاق بر عهد تویم دلیل حلیل احمد الله

یاران شیراز در این سالهای جنگ بر از و نیاز همراز بودند و همواره با الفت و محبت و مساز و عبادت

از خلوص نیت و شجرت و استقامت یاران شیراز پراهمراز است و از ملکوت ابدی تأیید و توفیق

میطلبید که در این ایام شعله تازه برافروزند و آنگلی بلا اعلی رسانند نفوس را بوجد و طرب آرند

و مستمعین را بتعالیم البیت تربیت نمایند بوزانیت اخلاق و علویت فطرت و شدت امانت

و کثرت محبت و مهربانی بعموم انسانی تبلیغ امر الله نمایند و ترویج دین الله کنند چندی پیش بکام

بشیراز ارسال گردید و بواسطه جناب افغان مدره مبارکه آقا میرزا حبیب الله طلب معرفت

از برای عموم متسعیدین اجابای شیراز گردید و نامه بجنرت عند لیب نگاشته شد و همچنین بچند نفر

عند لیب امضا مبارک